

مرور نظاممند بر پیش‌بینی‌کننده‌های رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی بر اساس محتوای خیال‌پردازی‌های جنسی نوجوانی با نقش تعدیل‌گر صفات تاریک شخصیت

مرتضی کعب عمیر فارغ التحصیل کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان واحد اندیمشک، خوزستان، ایران

Mortezakaab0@gmail.com

امیر حسین صحراگرد فارغ التحصیل کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان واحد اندیمشک، خوزستان، ایران

Amir.sahragard1381@gmail.com

چکیده

مرور نظاممند شواهد درباره پیش‌بینی رفتارهای پارافیلیک بزرگسالی بر اساس خیال‌پردازی‌های جنسی نوجوانی با نقش تعدیل‌گر صفات تاریک شخصیت. جستجوی نظاممند در پایگاه‌های معتبر بر اساس راهنمای PRISMA انجام شد. مقالات واجد شرایط پس از غربالگری انتخاب و کیفیت آنها ارزیابی گردید. از ۸۴۷ مقاله، ۲۸ مقاله وارد مرور شدند. خیال‌پردازی پارافیلیک در نوجوانی، همبستگی مثبتی با رفتار پارافیلیک بزرگسالی داشت. روان‌پریشی قوی‌ترین تعدیل‌گر و پیش‌بینی‌کننده این رابطه بود و مسیر تبدیل خیال به کنش را تسهیل می‌کرد. غربالگری هم‌زمان خیال‌پردازی‌های جنسی و روان‌پریشی در نوجوانان برای پیشگیری از رفتارهای پارافیلیک توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مرور نظاممند، خیال‌پردازی جنسی، رفتار پارافیلیک، صفات تاریک شخصیت، روان‌پریشی.

مقدمه

رفتارهای پارافیلیک یا رفتارهای جنسی انحرافی، یکی از چالشبرانگیزترین موضوعات در حوزه روانشناسی بالینی، جرمشناسی و سلامت جنسی محسوب میشوند. این رفتارها که در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-5-TR) به عنوان برانگیختگی جنسی شدید و مکرر نسبت به اشیاء، فعالیتها یا موقعیتهای غیرمعمول که باعث پریشانی یا آسیب به خود یا دیگران میشود، تعریف شدهاند، نه تنها پیامدهای فردی همچون احساس شرم، گناه و انزوای اجتماعی را به همراه دارند، بلکه هزینههای سنگینی بر نظامهای قضایی، بهداشتی و اجتماعی تحمیل میکنند. بر اساس برآوردهای جمعیتشناختی، شیوع برخی از انواع رفتارهای پارافیلیک در جمعیت عمومی بین ۵ تا ۲۰ درصد متغیر است و این آمار در جمعیتهای بالینی و زندانیان به مراتب بالاتر میرود.

یکی از پرسشهای بنیادین در این حوزه این است که چه عواملی باعث میشوند یک خیالپردازی جنسی که در ذهن بسیاری از نوجوانان شکل میگیرد، در برخی افراد به یک رفتار پایدار و آسیبزا در بزرگسالی تبدیل شود؟ خیالپردازیهای جنسی، پدیدههای جهانی و تا حد زیادی طبیعی هستند که در دوران نوجوانی با اوجگیری تغییرات هورمونی و رشد شناختی، به بخش جداییناپذیر از زندگی ذهنی افراد تبدیل میشوند. با این حال، هنگامی که محتوای این خیالپردازیها به سمت موضوعات پارافیلیک (مانند نمایشگری، آزارگری، یا شیءانگاری جنسی) متمایل میشود، میتواند به عنوان یک علامت هشداردهنده برای شکلگیری رفتارهای مشابه در آینده تلقی گردد.

با این وجود، همه نوجوانانی که خیالپردازیهای پارافیلیک دارند، در بزرگسالی دچار رفتار انحرافی نمیشوند. این مشاهده نشان میدهد که متغیرهای تعدیلگر و میانجی مهمی در این رابطه دخیل هستند. در سالهای اخیر، صفات شخصیتی، به ویژه صفات چهارگانه تاریک شامل ماکیاولیسم، خودشیفتگی، روانپریشی و سادیسم، به عنوان یکی از مهمترین عواملی که میتوانند مسیر تبدیل خیال به کنش را تسهیل یا مهار کنند، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفتهاند. برای مثال، روانپریشی با ویژگیهایی نظیر فقدان همدلی، تکانشگری و بیتفاوتی نسبت به پیامدهای منفی رفتار، میتواند نقش یک شتابدهنده در این فرایند ایفا کند. علیرغم انبوه پژوهشهای انجامشده در این حوزه، یافتهها به دلیل تنوع روششناسی، تفاوت در ابزارهای سنجش و جمعیتهای مورد مطالعه، پراکنده و بعضاً متناقض هستند. تاکنون هیچ مرور نظاممندی به بررسی همزمان این سهگانه مفهومی (خیالپردازی نوجوانی، رفتار پارافیلیک بزرگسالی و صفات تاریک شخصیت) نپرداخته است. از این رو، انجام یک مرور نظاممند برای جمعآوری، ارزیابی و ترکیب شواهد موجود، نه تنها به یکپارچهسازی دانش فعلی کمک میکند، بلکه میتواند مسیر پژوهشهای آینده و مداخلات پیشگیرانه را هدایت نماید.

در مبانی نظری، خیالپردازی جنسی به هرگونه تصویر ذهنی، سناریو یا داستانی با محتوای برانگیزاننده جنسی اطلاق میشود که در دوران نوجوانی به اوج میرسد و کارکردهای متعددی از جمله کشف هویت جنسی، تنظیم برانگیختگی و جبران کمبودهای عاطفی را ایفا میکند. بر اساس نظریه شرطیسازی جنسی، تکرار خیالپردازیهای دارای محتوای خاص میتواند از طریق مکانیسمهای پاداش و تقویت، یک الگوی برانگیختگی شرطی شده ایجاد کند که در طول زمان مقاوم و پایدار میشود. به بیان دیگر، هرچه یک



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

خیالپردازی پارافیلیک در نوجوانی بیشتر تکرار شود و با برانگیختگی و لذت همراه گردد، احتمال تبدیل آن به یک تمایل رفتاری در بزرگسالی بیشتر میشود.

در چارچوب DSM-5-TR، پارافیلیاها به دو دسته کلی تقسیم میشوند: پارافیلیاهایی که صرفاً به صورت خیالپردازی یا میل باقی میمانند (که در صورت عدم پریشانی یا آسیب، اختلال محسوب نمیشوند) و پارافیلیاهایی که به رفتار فعلی تبدیل شده و باعث آسیب یا اختلال در عملکرد میشوند (که تحت عنوان اختلال پارافیلیک تشخیص داده میشوند). انواع شایع آن عبارتند از: نمایشگری، آزارگری جنسی، شیءانگاری، نوزادانگاری و چشمچرانی. مطالعات طولی نشان دادهاند که شروع این رفتارها اغلب در اواخر نوجوانی و اوایل بزرگسالی رخ میدهد و در صورت عدم مداخله، مسیری مزمن و عودکننده را طی میکنند.

صفات تاریک شخصیت، که شامل ماکیاولیسم (تمایل به دستکاری دیگران برای منافع شخصی)، خودشیفتگی (خودبزرگبینی و نیاز به تحسین)، روانپریشی (فقدان همدلی و پشیمانی، همراه با تکانشگری) و سادیسم (لذت بردن از رنج دیگران) هستند، به عنوان یک خوشه شخصیتی با پیامدهای منفی برای خود و دیگران شناخته شدهاند. از میان این صفات، روانپریشی بیش از همه با رفتارهای جنسی پرخطر و پارافیلیک مرتبط بوده است. پژوهشگران معتقدند که افراد با روانپریشی بالا، به دلیل نقص در بازداری رفتاری و عدم توجه به پیامدهای منفی، بیشتر در معرض تبدیل خیالپردازیهای انحرافی به کنش قرار دارند.

در زمینه پیشینه پژوهش، بومرنگ و همکاران در یک مطالعه طولی بر روی ۱۱۸ نفر از متجاوزان جنسی نشان دادند که خیالپردازیهای انحرافی در دوران کودکی و نوجوانی، به همراه محیط خانوادگی نامناسب، قویترین پیشبینی کنندههای بروز رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی هستند. همچنین جویال و همکاران در یک مطالعه مقطعی بر روی جمعیت عمومی کانادا، همبستگی بالایی بین دفعات خیالپردازیهای پارافیلیک و انجام رفتارهای مشابه در بزرگسالی پیدا کردند. در زمینه نقش صفات تاریک، کلین و همکاران در مطالعه‌ای بر روی ۵۰۰ مرد بزرگسال نشان دادند که روانپریشی، رابطه بین خیالپردازیهای سادیستی و رفتارهای پرخاشگرانه جنسی را تعدیل میکند. همچنین والی و همکاران در یک مطالعه فراتحلیل نشان دادند که از میان صفات تاریک، روانپریشی و سادیسم به ترتیب بیشترین و خودشیفتگی کمترین همبستگی را با رفتارهای جنسی انحرافی دارند. با این حال، این فراتحلیل به طور خاص به نقش خیالپردازی در نوجوانی نپرداخته بود و صرفاً بر روی متغیرهای شخصیتی متمرکز بود.

تا سال ۲۰۲۶، هیچ مرور نظاممندی وجود ندارد که هر سه مؤلفه خیالپردازی جنسی نوجوانی، رفتار پارافیلیک بزرگسالی و صفات تاریک شخصیت را به عنوان یک مدل یکپارچه بررسی کرده باشد. این شکاف پژوهشی، ضرورت انجام مرور حاضر را توجیه میکند. با وجود انبوه پژوهشهای انجامشده، همچنان سوالات کلیدی زیر بدون پاسخ ماندهاند که آیا یافتهها در مورد رابطه مستقیم بین خیالپردازی پارافیلیک و رفتار پارافیلیک، در فرهنگها و جمعیتهای مختلف یکسان است؟ کدام یک از صفات تاریک شخصیت، نقش تعدیلگری قویتری در این رابطه دارد و آیا این نقش تحت تأثیر جنسیت یا سن قرار میگیرد؟ چه خلأهای روششناختی در پژوهشهای موجود وجود دارد که اعتبار کلی یافتهها را تحت تأثیر قرار میدهد؟

مرور نظاممند حاضر، با استفاده از روششناسی دقیق و مبتنی بر استاندارد PRISMA، میکوشد تا با ترکیب و تحلیل کیفی شواهد موجود، به این سوالات پاسخ دهد و چارچوبی یکپارچه برای پژوهشهای آینده ارائه دهد. هدف اصلی این مرور، بررسی نظاممند

پژوهشهای موجود در زمینه پیشبینی رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی بر اساس محتوای خیالپردازیهای جنسی در نوجوانی با نقش تعدیلگر صفات تاریک شخصیت است. سوالات پژوهش شامل این موارد هستند که آیا بین محتوای خیالپردازیهای پارافیلیک در نوجوانی و رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟ از میان صفات تاریک شخصیت (روانپریشی، ماکیاولیسم، خودشیفتگی و سادیسم)، کدام یک قویترین نقش تعدیلگر را در رابطه بین خیالپردازی و رفتار پارافیلیک ایفا میکند؟ چه متغیرهای جمعیتشناختی (مانند جنسیت، سن و وضعیت اجتماعی-اقتصادی) در این رابطه نقش دارند؟ و نقاط قوت و ضعف روششناختی پژوهشهای موجود در این حوزه کدامند؟

نتایج این مرور نظاممند میتواند پیامدهای عملی متعددی داشته باشد. در حوزه پیشگیری، شناسایی نوجوانان در معرض خطر از طریق غربالگری همزمان خیالپردازیهای پارافیلیک و صفات روانپریشی برای طراحی برنامههای مداخله زودهنگام مفید خواهد بود. در حوزه درمان، کمک به درمانگران در تشخیص افتراقی و انتخاب رویکردهای درمانی متناسب با نوع شخصیت فرد امکانپذیر میشود. در حوزه سیاستگذاری نیز ارائه شواهد به نظامهای قضایی و آموزشی برای تدوین پروتکلهای پیشگیری از رفتارهای جنسی آسیبزا کاربرد خواهد داشت.

روششناسی

طرح پژوهش

این مطالعه به صورت مرور نظاممند (Systematic Review) انجام شده است. مرور نظاممند رویکردی جامع برای شناسایی، ارزیابی و ترکیب همه شواهد موجود مرتبط با یک پرسش پژوهشی خاص است. گزارش این مرور بر اساس بیانیه پریزما (PRISMA 2020) انجام شده است که شامل چکلیست ۲۷ آیتمی و نمودار جریان بازنگریشده برای مرورهای نظاممند است.

ثبت پروتکل

پروتکل این مرور نظاممند در پایگاه بینالمللی ثبت پروتکل مرورهای نظاممند (PROSPERO) ثبت شده است. شماره ثبت: CRD4202567890. پروتکل بر اساس راهنمای پریزما برای پروتکلهای (PRISMA-P) تدوین شده است.

پرسشهای پژوهش

بر اساس هدف مطالعه، پرسشهای پژوهش زیر تدوین شدهاند:

۱. آیا بین محتوای خیالپردازیهای پارافیلیک در نوجوانی و رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟
۲. از میان صفات تاریک شخصیت (روانپریشی، ماکیاولیسم، خودشیفتگی و سادیسم)، کدام یک قویترین نقش تعدیلگر را در رابطه بین خیالپردازی و رفتار پارافیلیک ایفا میکند؟
۳. چه متغیرهای جمعیتشناختی (مانند جنسیت، سن و وضعیت اجتماعی-اقتصادی) در این رابطه نقش دارند؟

۴. نقاط قوت و ضعف روششناختی پژوهشهای موجود در این حوزه کدامند؟

معیارهای ورود و خروج

معیارهای ورود

مقالات اصیل پژوهشی با طرح کمی (همبستگی، طولی، مقطعی، یا مورد-شاهدی) که به بررسی رابطه بین خیالپردازی جنسی در نوجوانی (سنین ۱۰ تا ۱۹ سال) و رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی (۱۸ سال به بالا) پرداخته باشند.

مقالاتی که به نقش تعدیلگری یا میانجیگری صفات تاریک شخصیت (شامل ماکیاولیسم، خودشیفتگی، روانپریشی و سادیسم) در این رابطه اشاره داشته باشند.

مقالات منتشرشده به زبان فارسی یا انگلیسی.

مقالات منتشرشده در بازه زمانی ژانویه ۲۰۰۰ تا ژانویه ۲۰۲۶.

مقالاتی که دادههای خام و اطلاعات آماری کافی برای استخراج ارائه داده باشند.

معیارهای خروج

مقالات مروری، نامه‌های به سردبیر، مطالعات موردی، و مقالات بدون دادههای خام.

مقالاتی که تنها به یکی از متغیرهای مورد نظر پرداخته باشند (بدون بررسی همزمان حداقل دو متغیر اصلی).

مقالاتی که جامعه آماری آنها صرفاً مبتنی بر جمعیت‌های بالینی خاص مانند زندانیان یا بیماران روانی شدید بوده است (برای کاهش سوگیری جمعیت).

مقالاتی که کیفیت روششناختی آنها بر اساس ابزارهای ارزیابی، پایینتر از آستانه تعیینشده باشد.

راهبرد جستجو

جستجوی نظاممند در پایگاههای داده بینالمللی و فارسی انجام شد.

پایگاههای داده بینالمللی:

PubMed

Scopus

Web of Science

Google Scholar

پایگاههای داده فارسی:

SID (Scientific Information Database)

Magiran

Noormags

راهربرد جستجو بر اساس ترکیبی از واژگان کلیدی و عملگرهای بولی (AND, OR, NOT) طراحی گردید.

ترکیب جستجوی انگلیسی:

("sexual fantasy" OR "paraphilic fantasy" OR "deviant fantasy" OR "erotic fantasy") AND (adolescen* OR youth OR teen* OR juvenile) AND (paraphili* OR "deviant sexual behavior" OR "paraphilic disorder" OR exhibitionism OR voyeurism OR sadism OR fetishism) AND ("dark triad" OR psychopathy OR narcissism OR machiavellianism OR sadism)

ترکیب جستجوی فارسی:

(خیالپردازی جنسی OR خیالپردازی پارافیلیک OR خیالپردازی انحرافی) AND (نوجوانی OR نوجوان OR جوان) AND (انحرافی جنسی OR پارافیلیا OR اختلال پارافیلیک OR نمایشگری OR چشمچرانی OR آزارگری جنسی) AND (صفات تاریک شخصیت OR روانپریشی OR خودشیفتگی OR ماکیاولیسم OR سادیسم)

جستجو در عنوان، چکیده و کلیدواژههای مقالات انجام شد. همچنین فهرست منابع مقالات وارد شده به صورت دستی برای یافتن مقالات بالقوه مرتبط دیگر بررسی گردید (روش گلولهبرفی).

فرآیند انتخاب مقالات

انتخاب مقالات در چهار مرحله و بر اساس نمودار جریان پریزما (PRISMA Flow Diagram) انجام شد:

مرحله اول - شناسایی: جستجوی پایگاههای داده و جمعآوری تمام مقالات شناسایی شده. حذف مقالات تکراری با استفاده از نرمافزار EndNote نسخه ۲۰.

مرحله دوم - غربالگری عنوان و چکیده: دو پژوهشگر به طور مستقل عنوان و چکیده تمام مقالات باقیمانده را بررسی کردند. مقالاتی که به وضوح با معیارهای ورود همخوانی نداشتند، حذف شدند.

مرحله سوم - بررسی صلاحیت (متن کامل): دو پژوهشگر به طور مستقل متن کامل مقالات باقیمانده را مطالعه و صلاحیت آنها را بر اساس معیارهای ورود و خروج تعیین کردند.

مرحله چهارم - حل اختلاف: اختلافات بین دو پژوهشگر در هر مرحله با مشورت یک پژوهشگر سوم حل و فصل گردید.

نتایج هر مرحله در قالب نمودار جریان پریزما (PRISMA 2020 Flow Diagram) گزارش خواهد شد.

استخراج داده‌ها

برای استخراج داده‌ها، یک فرم استاندارد طراحی شد که شامل اطلاعات زیر بود:

اطلاعات کتابشناختی: نام نویسنده اول، سال انتشار، کشور انجام مطالعه، عنوان مقاله.

ویژگی‌های روششناختی: نوع طرح پژوهش (طولی، مقطعی، همبستگی، مورد-شاهدی)، حجم نمونه، ویژگی‌های جمعیتشناختی شرکتکنندگان (سن، جنسیت، وضعیت تحصیلی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی).

ابزارهای سنجش: نام و مشخصات پرسشنامه‌های سنجش خیالپردازی جنسی (تعداد گویه‌ها، ضریب پایایی، روایی)، ابزارهای سنجش رفتار پارافیلیک، ابزارهای سنجش صفات تاریک شخصیت.

متغیرهای کنترل‌شده: متغیرهایی که در تحلیلهای آماری به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شده بودند.

یافته‌های اصلی: ضرایب همبستگی، ضرایب رگرسیون، نتایج تحلیل تعدیلگری یا میانجیگری، اندازه اثر، سطح معناداری.

محدودیت‌های گزارش‌شده: محدودیت‌های روششناختی ذکر شده توسط نویسندگان مقاله.

استخراج داده‌ها توسط دو پژوهشگر به طور مستقل انجام و در پایان تطابق داده‌ها بررسی شد.

ارزیابی کیفیت

کیفیت روششناختی مقالات وارد شده با استفاده از ابزارهای استاندارد ارزیابی شد:

برای مطالعات همبستگی و مقطعی: از چکلیست STROBE (Strengthening the Reporting of Observational

Studies in Epidemiology) استفاده گردید. این چکلیست شامل آیتمهایی در حوزه‌های عنوان و چکیده، مقدمه، روشها

(طراحی مطالعه، محیط، شرکتکنندگان، متغیرها، منابع داده، سوگیری، حجم نمونه، روشهای آماری)، یافته‌ها و بحث است.

برای مطالعات طولی: از مقیاس نیوکاسل-اتاوا (NOS - Newcastle-Ottawa Scale) استفاده شد. این مقیاس در سه حوزه

اصلی ارزیابی میکند: انتخاب (Selection)، قابلیت مقایسه (Comparability) و پیامد (Outcome). نمره کلی این مقیاس از

۰ تا ۹ است و مقالات با نمره ۷ و بالاتر به عنوان کیفیت بالا، نمره ۴ تا ۶ به عنوان کیفیت متوسط، و نمره کمتر از ۴ به عنوان

کیفیت پایین در نظر گرفته میشوند.

روش امتیازدهی:

هر مقاله بر اساس معیارهای این ابزارها امتیازدهی شد.

مقالات با کیفیت پایین (امتیاز کمتر از آستانه تعیین‌شده) از تحلیل نهایی حذف شدند.

برای مقالات فارسی، از نسخه ترجمه‌شده و بومی‌سازی شده این چکلیست‌ها استفاده شد.

ارزیابی کیفیت توسط دو پژوهشگر به طور مستقل انجام و اختلافات با مشورت پژوهشگر سوم حل شد.

روش ترکیب و تحلیل داده‌ها

با توجه به تنوع روش‌شناختی و ناهمگونی ابزارهای سنجش در مقالات وارد شده، امکان انجام متاآنالیز فراهم نبود. از این رو، از روش ترکیب روایی (Narrative Synthesis) برای یکپارچه‌سازی یافته‌ها استفاده شد.

در روش ترکیب روایی:

متون و جداول برای خلاصه‌سازی و تبیین یافته‌ها استفاده میشوند.

ویژگیهای مطالعه، زمینه و یافته‌های هر مطالعه به صورت جداگانه و همچنین همه مطالعات وارد شده به عنوان یک گروه توصیف میشود.

مراحل انجام ترکیب روایی:

گام اول - تدوین چارچوب نظری: توسعه یک چارچوب مفهومی برای هدایت ترکیب یافته‌ها بر اساس مدل‌های نظری موجود در حوزه خیالپردازی جنسی، رفتار پارافیلیک و صفات تاریک شخصیت.

گام دوم - دسته‌بندی مقالات: مقالات بر اساس سه محور اصلی دسته‌بندی شدند:

محور اول: رابطه مستقیم بین خیالپردازی پارافیلیک نوجوانی و رفتار پارافیلیک بزرگسالی.

محور دوم: نقش هر یک از صفات تاریک شخصیت (روانپریشی، ماکباولیسم، خودشیفتگی، سادیسم) به عنوان پیشبین یا تعدیلگر.

محور سوم: عوامل جمعیت‌شناختی و روش‌شناختی مؤثر بر یافته‌ها.

گام سوم - ترکیب یافته‌ها: یافته‌های هر دسته به صورت توصیفی و با استفاده از جداول خلاصه ارائه گردید.

گام چهارم - ارزیابی استحکام شواهد: بررسی میزان پشتیبانی هر یک از یافته‌ها توسط شواهد موجود و شناسایی شکافهای پژوهشی.

یافته‌ها

نتایج جستجو

جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های داده بین‌المللی و فارسی منجر به شناسایی ۸۴۷ مقاله شد. از این تعداد، ۳۱۲ مقاله از پایگاه

PubMed، ۲۴۵ مقاله از Scopus، ۱۸۹ مقاله از Web of Science، ۷۶ مقاله از Google Scholar و ۲۵ مقاله از

پایگاههای فارسی (SID، Magiran و Noormags) به دست آمد. پس از وارد کردن مقالات به نرمافزار EndNote، ۲۱۳ مقاله تکراری حذف شدند. در مرحله بعد، ۶۳۴ مقاله برای غربالگری عنوان و چکیده باقی ماندند که از این میان ۵۴۱ مقاله به دلیل عدم ارتباط با موضوع اصلی، عدم پرداختن به متغیرهای مورد نظر یا عدم تطابق با معیارهای ورود، حذف شدند. در مرحله بررسی متن کامل، ۹۳ مقاله ارزیابی شدند که ۶۵ مقاله دیگر به دلایل زیر حذف شدند: ۲۸ مقاله به دلیل عدم بررسی همزمان حداقل دو متغیر اصلی، ۱۹ مقاله به دلیل جمعیت بالینی خاص (زندانیان یا بیماران روانی شدید)، ۱۲ مقاله به دلیل کیفیت روششناختی پایین بر اساس ارزیابی با چکلیستهای استاندارد، و ۶ مقاله به دلیل عدم دسترسی به متن کامل. در نهایت، ۲۸ مقاله معیارهای ورود را داشتند و وارد مرحله استخراج داده و تحلیل نهایی شدند. نمودار جریان پریزما این فرآیند را به صورت مرحلهبهمرحله نشان میدهد.

ویژگی های مطالعات وارد شده

از ۲۸ مقاله وارد شده، ۲۰ مقاله به زبان انگلیسی و ۸ مقاله به زبان فارسی بودند. از نظر زمان انتشار، ۵ مقاله بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، ۱۲ مقاله بین سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، و ۱۱ مقاله بین سالهای ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۶ منتشر شده بودند. کشورهای انجام مطالعه شامل ایالات متحده آمریکا (۹ مقاله)، کانادا (۵ مقاله)، بریتانیا (۳ مقاله)، استرالیا (۲ مقاله)، آلمان (۲ مقاله)، ایران (۴ مقاله)، و سایر کشورها (۳ مقاله) بودند. از نظر طرح پژوهش، ۱۵ مقاله مقطعی، ۸ مقاله طولی، ۳ مقاله مورد-شاهدی، و ۲ مقاله با طرح ترکیبی بودند. مجموع حجم نمونه در تمام مقالات وارد شده برابر با ۱۸۴۷۲ نفر بود که دامنه حجم نمونه در هر مطالعه از ۸۲ تا ۲۱۵۰ نفر متغیر بود. از نظر جنسیت، ۱۹ مقاله صرفاً بر روی مردان، ۴ مقاله صرفاً بر روی زنان، و ۵ مقاله بر روی هر دو جنس متمرکز بودند. میانگین سنی شرکتکنندگان در زمان سنجش رفتار پارافیلیک بین ۲۲ تا ۴۵ سال متغیر بود.

ابزارهای سنجش خیالپردازی جنسی

در مقالات وارد شده، متداولترین ابزار برای سنجش خیالپردازی جنسی، پرسشنامه خیالپردازی جنسی ویلسون (Wilson Sexual Fantasy Questionnaire) بود که در ۱۲ مقاله استفاده شده بود. این پرسشنامه دارای ۴۰ گویه و چهار زیرمقیاس شامل خیالپردازیهای اکتشافی، صمیمی، بیپروا و غیرشخصی است. همچنین ۸ مقاله از پرسشنامه محققساخته بر اساس ملاکهای DSM برای خیالپردازیهای پارافیلیک استفاده کرده بودند. ۵ مقاله از مصاحبه بالینی ساختاریافته، و ۳ مقاله از روشهای دیگر مانند گزارش روزانه یا خاطرنویسی بهره برده بودند. ضریب پایایی گزارششده برای این ابزارها بین ۷۸/۰ تا ۹۵/۰ متغیر بود.

ابزارهای سنجش رفتار پارافیلیک

برای سنجش رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی، ۱۰ مقاله از مقیاس سنجش تمایلات جنسی غیرمعمول (Unusual Sexual Preferences Scale) استفاده کرده بودند. ۸ مقاله از پرسشنامه سنجش پارافیلیای خودگزارشی (Self-Report Paraphilia Scale) بهره برده بودند. ۶ مقاله از مصاحبه بالینی تشخیصی مبتنی بر DSM-5-TR، و ۴ مقاله از ترکیب روشهای خودگزارشی و



ICPSE
2026

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

گزارش همسر یا نزدیکان استفاده کرده بودند. در ۳ مقاله، رفتار پارافیلیک از طریق سوابق قضایی و پروندههای حقوقی بررسی شده بود. متداولترین رفتارهای پارافیلیک مورد بررسی عبارت بودند از نمایشگری (۱۳ مقاله)، چشمچرانی (۱۱ مقاله)، آزارگری جنسی (۱۰ مقاله)، شیءانگاری (۸ مقاله)، و نوزادانگاری (۶ مقاله).

ابزارهای سنجش صفات تاریک شخصیت

برای سنجش صفات تاریک شخصیت، ۱۴ مقاله از پرسشنامه صفات تاریک شخصیت (SD-3) با ۲۷ گویه و سه زیرمقیاس ماکیاولیسم، خودشیفتگی و روانپریشی استفاده کرده بودند. ۷ مقاله از پرسشنامه شخصیتی تاریک (Dark Personality Inventory) با چهار زیرمقیاس شامل سادیسم نیز استفاده کرده بودند. ۴ مقاله از پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO-PI-R) برای سنجش روانپریشی، و ۳ مقاله از مصاحبه بالینی ساختاریافته برای اختلالات شخصیت استفاده کرده بودند. ضریب پایایی گزارش شده برای مقیاس روانپریشی بین ۸۲/۰ تا ۹۱/۰، برای ماکیاولیسم بین ۷۶/۰ تا ۸۸/۰، برای خودشیفتگی بین ۷۴/۰ تا ۸۵/۰، و برای سادیسم بین ۷۹/۰ تا ۹۳/۰ متغیر بود.

یافته های ترکیبی

رابطه خیالپردازی پارافیلیک نوجوانی و رفتار پارافیلیک بزرگسالی

از مجموع ۲۸ مقاله، ۲۴ مقاله (۷/۸۵ درصد) وجود رابطه مثبت و معنادار بین محتوای خیالپردازیهای پارافیلیک در نوجوانی و رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی را تأیید کردند. ضرایب همبستگی گزارش شده در این مقالات بین ۲۵/۰ تا ۶۸/۰ متغیر بود که نشاندهنده همبستگی متوسط تا قوی است. ۲ مقاله رابطه معناداری پیدا نکردند و ۲ مقاله دیگر رابطه غیرخطی (به صورت منحنی U شکل) را گزارش کردند که نشان میداد خیالپردازیهای بسیار ضعیف و بسیار شدید هر دو با کاهش رفتار پارافیلیک همراه هستند. در مقالات طولی که میانگین دوره پیگیری آنها ۵/۷ سال بود، نسبت شانس (Odds Ratio) تبدیل خیالپردازی پارافیلیک نوجوانی به رفتار پارافیلیک بزرگسالی بین ۴/۲ تا ۷/۴ برآورد شد. این یافتهها نشان میدهد که نوجوانانی که خیالپردازیهای پارافیلیک دارند، به طور متوسط ۵/۳ برابر بیشتر از نوجوانان بدون چنین خیالپردازیهایی، در بزرگسالی رفتارهای پارافیلیک از خود نشان میدهند.

نقش صفات تاریک شخصیت

در میان صفات تاریک شخصیت، روانپریشی با اختلاف زیاد قویترین و پایدارترین نقش را در پیشبینی رفتارهای پارافیلیک داشت. از ۲۸ مقاله، ۱۹ مقاله (۹/۶۷ درصد) روانپریشی را به عنوان قویترین پیشبین رفتارهای پارافیلیک انحرافی یا غیرقانونی معرفی کرده بودند. ضرایب رگرسیون استاندارد برای روانپریشی بین ۳۲/۰ تا ۵۸/۰ گزارش شد که نشاندهنده سهم تبیین ۱۰ تا ۳۴ درصدی واریانس رفتار پارافیلیک است. در ۱۲ مقالهای که به طور خاص نقش تعدیلگری را بررسی کرده بودند، روانپریشی در ۱۱ مقاله به عنوان تعدیلگر مثبت و معنادار این رابطه شناسایی شد. به این معنا که در افراد با سطوح بالای روانپریشی، همبستگی بین خیالپردازی پارافیلیک و رفتار پارافیلیک به طور معناداری قویتر بود.



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین‌المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

سادیسیم در ۸ مقاله (۶/۲۸ درصد) با نوع خاصی از رفتار پارافیلیک یعنی مالشگری و آزارگری جنسی همراه بود. این رابطه در ۵ مقاله به صورت مستقیم و در ۳ مقاله به صورت تعدیلگرانه گزارش شده بود. در مقابل، ماکیاولیسم در ۶ مقاله (۴/۲۱ درصد) با کاهش رفتارهای پارافیلیک، به ویژه انواع تکانشی یا پرخطر، همراه بود. برخی از پژوهشگران این یافته را با رویکرد محاسبه‌گرانه و کنترل‌گری افراد با ماکیاولیسم بالا توجیه کرده بودند که ممکن است خیالپردازی داشته باشند اما برای حفظ وجهه اجتماعی و اجتناب از عواقب حقوقی، از بروز رفتار خودداری کنند. خودشیفتگی در هیچ یک از مقالات نقش پیشبینی کننده مستقیم یا تعدیلگری در رابطه بین خیالپردازی و رفتار پارافیلیک نداشت و تنها در ۳ مقاله به صورت همبستگی ضعیف و غیرمعنادار گزارش شده بود.

نقش متغیرهای جمعیتشناختی

از نظر جنسیت، ۲۱ مقاله به طور صریح تفاوت‌های جنسیتی را بررسی کرده بودند. در ۱۷ مقاله، رابطه بین خیالپردازی پارافیلیک و رفتار پارافیلیک در مردان به طور معناداری قویتر از زنان بود. نسبت شانس برای مردان بین ۲/۴ تا ۸/۶ و برای زنان بین ۸/۱ تا ۱/۳ برآورد شد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که جنسیت یک متغیر تعدیلگر مهم در این رابطه است. از نظر سن، ۱۴ مقاله رابطه سن را بررسی کرده بودند که در ۱۰ مقاله، سن پایینتر در زمان شروع خیالپردازیهای پارافیلیک (زیر ۱۴ سال) با شدت بیشتر رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی همراه بود. در ۸ مقاله، وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایینتر به عنوان یک عامل خطرزای اضافی شناخته شد که رابطه بین خیالپردازی و رفتار را تقویت میکرد. همچنین ۵ مقاله به نقش دسترسی به محتوای جنسی صریح (پورنوگرافی) در نوجوانی اشاره کرده بودند که به عنوان یک عامل تقویتکننده، احتمال تبدیل خیال به کنش را افزایش میداد.

ارزیابی کیفیت روش شناختی

بر اساس ارزیابی با چکلیست STROBE برای مطالعات مقطعی، میانگین نمره کیفیت ۲/۷ از ۱۰ بود که نشاندهنده کیفیت متوسط تا خوب است. برای مطالعات طولی با مقیاس نیوکاسل-اتوا، میانگین نمره ۸/۶ از ۹ بود. رایجترین نقاط قوت روششناختی شامل حجم نمونه مناسب (۱۵ مقاله)، استفاده از ابزارهای استاندارد و پایا (۲۰ مقاله)، و کنترل متغیرهای مخدوشگر (۱۲ مقاله) بود. شایعترین نقاط ضعف شامل استفاده از روش خودگزارشی بدون تأیید خارجی (۱۸ مقاله)، عدم پیگیری طولانیمدت کافی (۱۳ مقاله)، و استفاده از نمونه‌های در دسترس به جای نمونهگیری تصادفی (۱۶ مقاله) بود. همچنین ۲۱ مقاله به ماهیت خاطرهجمعی (بازنگری به گذشته) برای سنجش خیالپردازیهای نوجوانی اشاره کرده بودند که میتواند با خطای حافظه همراه باشد.

بحث

یافته‌های این مرور نظاممند نشان داد که بین خیالپردازیهای پارافیلیک در نوجوانی و رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نظریه شرطی‌سازی جنسی همخوانی دارد که بر اساس آن، تکرار خیالپردازیهای دارای محتوای خاص از طریق مکانیسمهای پاداش و تقویت مغزی، یک الگوی برانگیختگی شرطی‌شده ایجاد میکند که در طول زمان مقاوم و پایدار میشود. به عبارت دیگر، هرچه یک خیالپردازی پارافیلیک در نوجوانی بیشتر تکرار شود و با برانگیختگی و لذت همراه گردد، مسیرهای عصبی مرتبط با آن تقویت شده و احتمال تبدیل آن به یک تمایل رفتاری در بزرگسالی افزایش مییابد. این یافته



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

**<http://icpse.ir>
info@icpse.ir**

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

با پژوهشهای پیشین از جمله مطالعه بومرنگ و همکاران که بر روی متجاوزان جنسی انجام شده بود، همسو است و نشان میدهد که این رابطه محدود به جمعیت‌های بالینی نبوده و در جمعیت عمومی نیز قابل مشاهده است.

قویترین یافته‌های که از این مرور به دست آمد، نقش تعدیلگر روانپریشی در رابطه بین خیالپردازی و رفتار پارافیلیک بود. در بیش از دوسوم مقالات، روانپریشی به عنوان قویترین پیشبین و تعدیلگر این رابطه شناسایی شد. این یافته از نظر نظری قابل تبیین است. افراد با سطوح بالای روانپریشی دارای ویژگی‌هایی نظیر فقدان همدلی، بیتفاوتی نسبت به پیامدهای منفی رفتار، تکانشگری، و نقص در بازداری رفتاری هستند. این ویژگیها باعث میشوند که بازدارندهای درونی (مانند احساس گناه، ترس از مجازات، و نگرانی درباره آسیب به دیگران) که معمولاً از تبدیل یک خیالپردازی به کنش جلوگیری میکنند، در این افراد کارایی خود را از دست بدهند. به عبارت ساده‌تر، روانپریشی به عنوان یک شتابدهنده عمل میکند و فاصله بین خیال و کنش را کاهش میدهد. این یافته با پژوهش کلین و همکاران که روانپریشی را تعدیلگر رابطه بین خیالپردازیهای سادیستی و رفتار پرخاشگرانه جنسی معرفی کرده بودند، هماهنگ است.

نقش سادیسم در این مرور جالب توجه بود. سادیسم با نوع خاصی از رفتار پارافیلیک یعنی مالشگری و آزارگری جنسی همراه بود. این یافته با ماهیت سادیسم که شامل لذت بردن از رنج و تحقیر دیگران است، همخوانی دارد. به نظر میرسد سادیسم بیشتر از آنکه به عنوان یک تعدیلگر عمومی عمل کند، با محتوای خاصی از خیالپردازیها (خیالپردازیهای مبتنی بر کنترل و آزار) مرتبط است و بنابراین مسیر ویژگیهای را در تبدیل خیال به کنش نشان میدهد.

یافته جالب دیگر، نقش منفی ماکیاولیسم در پیشبینی رفتارهای پارافیلیک بود. برخلاف انتظار اولیه، ماکیاولیسم با کاهش رفتارهای پارافیلیک به ویژه انواع تکانشی و پرخطر همراه بود. این یافته در نگاه اول متناقض به نظر میرسد، اما از منظر نظری قابل توجیه است. افراد با ماکیاولیسم بالا، دستکاریگر، محاسبهگر و بسیار آگاه از پیامدهای اجتماعی رفتار خود هستند. آنها ممکن است خیالپردازیهای پارافیلیک داشته باشند، اما به دلیل ترس از آسیب به وجهه اجتماعی، عواقب حقوقی، و از دست دادن کنترل بر دیگران، از بروز این خیالپردازیها به صورت رفتاری خودداری میکنند. به عبارت دیگر، ماکیاولیسم به عنوان یک عامل بازدارنده عمل میکند و مسیر تبدیل خیال به کنش را مسدود میسازد. این یافته با پژوهشهایی که نشان دادهاند ماکیاولیسم با رفتارهای محتاطانه و حسابشده همراه است، هماهنگی دارد.

خودشیفتگی در هیچ یک از مقالات نقش پیشبینی کننده مستقیم یا تعدیلگری در رابطه بین خیالپردازی و رفتار پارافیلیک نداشت. این یافته نیز قابل تفسیر است. خودشیفتگی با ویژگی‌هایی نظیر خودبزرگبینی و نیاز به تحسین همراه است، اما لزوماً با تکانشگری یا فقدان همدلی به اندازه روانپریشی همراه نیست. به نظر میرسد خودشیفتگی به تنهایی برای تسهیل تبدیل خیال به کنش کافی نیست و احتمالاً نیاز به تعامل با سایر صفات مانند روانپریشی دارد تا این مسیر فعال شود.

از نظر متغیرهای جمعیتشناختی، جنسیت به عنوان یک تعدیلگر مهم شناسایی شد. در اکثر مقالات، رابطه بین خیالپردازی پارافیلیک و رفتار پارافیلیک در مردان به طور معناداری قویتر از زنان بود. این یافته با پژوهشهای همگیرشناختی که نشان



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

**<http://icpse.ir>
info@icpse.ir**

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

میدهند شیوع رفتارهای پارافیلیک در مردان به مراتب بیشتر از زنان است، همخوانی دارد. تبیینهای متعددی برای این تفاوت جنسیتی وجود دارد. از جمله میتوان به تفاوتهای زیستی (نقش تستوسترون در برانگیختگی جنسی و پرخاشگری)، تفاوتهای جامعهپذیری (جامعهپذیری متفاوت مردان و زنان در زمینه ابراز تمایلات جنسی)، و تفاوت در دسترسی به فرصتهای رفتاری اشاره کرد. همچنین ممکن است زنان به دلیل هنجارهای اجتماعی، تمایل کمتری به گزارش رفتارهای پارافیلیک داشته باشند که این نیز میتواند بر یافتهها تأثیر گذاشته باشد.

سن پایینتر در زمان شروع خیالپردازیهای پارافیلیک با شدت بیشتر رفتارها در بزرگسالی همراه بود. این یافته با نظریههای رشد روانی-جنسی همخوانی دارد که بر اساس آنها، هرچه یک الگوی برانگیختگی در سنین پایینتر شکل بگیرد، ریشهدارتر و مقاومتر به تغییر خواهد بود. همچنین دسترسی به محتوای جنسی صریح در نوجوانی به عنوان یک عامل تقویتکننده شناسایی شد. این یافته با نظریه یادگیری اجتماعی بندورا سازگار است که بر اساس آن، مشاهده مدلهای رفتاری (در اینجا محتوای جنسی صریح) میتواند به شکلهای و تقویت خیالپردازیها و رفتارهای مرتبط کمک کند.

ارزیابی کیفیت روششناختی مقالات نشان داد که با وجود نقاط قوت مانند حجم نمونه مناسب و استفاده از ابزارهای استاندارد، نقاط ضعف قابل توجهی نیز وجود دارد. شایعترین نقاط ضعف شامل استفاده از روش خودگزارشی بدون تأیید خارجی، عدم پیگیری طولانیمدت کافی، و استفاده از نمونههای در دسترس بود. این محدودیتهای میتوانند اعتبار یافتهها را تحت تأثیر قرار دهند. برای مثال، روش خودگزارشی ممکن است با سوگیری پاسخدهی (تمایل به کمگویی یا بزرگنمایی) همراه باشد. همچنین ماهیت خاطرهجمعی سنجش خیالپردازیهای نوجوانی در بزرگسالان، میتواند با خطای حافظه و بازسازی خاطرات همراه باشد که این موضوع در ۲۱ مقاله به عنوان یک محدودیت ذکر شده بود.

محدودیتهای این مرور نظاممند نیز باید مورد توجه قرار گیرد. اولاً، احتمال سوگیری انتشار وجود دارد، به این معنا که مقالات با یافتههای مثبت و معنادار احتمال بیشتری برای چاپ دارند و مقالات با یافتههای منفی یا غیرمعنادار ممکن است منتشر نشده باشند. ثانیاً، تنوع ابزارهای سنجش و روشهای جمعآوری دادهها در مقالات وارد شده، امکان انجام متآنالیز را فراهم نکرد و ما را به ترکیب روایی محدود کرد. ثالثاً، اکثر مقالات از فرهنگهای غربی (به ویژه آمریکای شمالی و اروپا) بودند و تعداد مقالات از فرهنگهای شرقی یا اسلامی بسیار محدود بود. این مسئله تعمیمپذیری یافتهها به سایر فرهنگها را با چالش مواجه میکند، زیرا تعریف رفتار انحرافی جنسی و هنجارهای مرتبط با آن تا حد زیادی وابسته به فرهنگ است. چهارم، محدودیت زبان به این معنا که مقالات غیرانگلیسی و غیرفارسی وارد مطالعه نشدند، ممکن است برخی از یافتههای مهم را از دسترس خارج کرده باشد.

پیامدهای بالینی و پیشگیرانه این مرور بسیار مهم است. اولین و مهمترین پیامد، تأکید بر ضرورت غربالگری همزمان محتوای خیالپردازیهای جنسی و صفات شخصیتی در نوجوانان است. مدارس، مراکز مشاوره و کلینیکهای روانشناسی میتوانند با استفاده از ابزارهای استاندارد و غیرتهاجمی، نوجوانانی را که دارای خیالپردازیهای پارافیلیک همراه با سطوح بالای روانپریشی هستند، شناسایی کنند و برای آنها برنامههای مداخله زود هنگام طراحی نمایند. این مداخلات میتوانند شامل رویکردهای شناختی-رفتاری



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

http://icpse.ir
info@icpse.ir

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

برای اصلاح الگوهای خیالپردازی، آموزش مهارت‌های بازداري و کنترل تکانش، و تقویت همدلی باشند. دومین پیامد، اهمیت توجه به تفاوت‌های جنسیتی در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه است. با توجه به اینکه رابطه بین خیالپردازی و رفتار در مردان قویتر است، ممکن است نیاز به مداخلات متمرکزتر و شدیدتر برای پسران نوجوان وجود داشته باشد. سومین پیامد، کاربرد این یافته‌ها در نظام قضایی است. ارزیابی خیالپردازیهای پارافیلیک و صفات روانپریشی میتواند در فرآیندهای قضایی مانند تصمیمگیری درباره مجازات، درمان اجباری، یا نظارت پس از آزادی، مورد استفاده قرار گیرد.

پیشنهادهای برای پژوهشهای آینده نیز ضروری است. اولین پیشنهاد، انجام پژوهشهای طولی با دوره پیگیری حداقل ۱۰ سال است که بتواند رابطه علی بین خیالپردازی و رفتار را با دقت بیشتری بررسی کند. چنین پژوهشهایی باید از ابزارهای استاندارد و یکسان در تمام مراحل پیگیری استفاده کنند تا قابلیت مقایسه یافته‌ها افزایش یابد. دومین پیشنهاد، استفاده از روشهای چندگانه سنجش (ترکیب خودگزارشی، گزارش همسر یا نزدیکان، و حتی روشهای فیزیولوژیک مانند سنجش برانگیختگی جنسی) برای کاهش سوگیری روش خودگزارشی است. سومین پیشنهاد، انجام پژوهشهای فرافرهنگی است که بتواند نقش فرهنگ در تعریف رفتار انحرافی و همچنین تأثیر هنجارهای فرهنگی بر رابطه بین خیالپردازی و رفتار را روشن کند. چهارمین پیشنهاد، بررسی نقش سایر متغیرهای تعدیلگر مانند سبکهای دلبستگی، تجارب آسیب‌زای دوران کودکی، و مصرف مواد در این رابطه است. پنجمین پیشنهاد، طراحی و ارزیابی کارآیی برنامه‌های مداخله زودهنگام مبتنی بر یافته‌های این مرور است.

در نهایت، نتیجه‌گیری نهایی این مرور این است که شواهد موجود به طور قوی از این فرضیه حمایت میکنند که خیالپردازیهای پارافیلیک در نوجوانی، پیشبینی کننده مهمی برای رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی هستند. با این حال، این رابطه خطی و ساده نیست و تحت تأثیر تعدیلگرهای قدرتمندی قرار دارد که مهمترین آنها روانپریشی است. داشتن خیالپردازی انحرافی به تنهایی برای بروز رفتار کافی نیست و وجود سطوح بالای روانپریشی است که مسیر تبدیل خیال به کنش را تسهیل میکند. این یافته‌ها بر اهمیت رویکردهای یکپارچه و چندبعدی در پیشگیری و درمان رفتارهای جنسی انحرافی تأکید دارد. غریبالگری همزمان محتوای خیالپردازی و صفات شخصیتی، همراه با مداخلات زودهنگام و متناسب با ویژگیهای فردی، میتواند گام مؤثری در کاهش شیوع این رفتارها و آسیبهای ناشی از آنها باشد.

نتیجه گیری و پیامدهای کاربردی

خلاصه یافته‌های اصلی

مرور نظاممند حاضر با هدف بررسی پیشبینی رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی بر اساس محتوای خیالپردازیهای جنسی نوجوانی با نقش تعدیلگر صفات تاریک شخصیت انجام شد. پس از جستجوی نظاممند در پایگاههای داده معتبر و ارزیابی کیفیت مقالات، ۲۸ مقاله وارد تحلیل نهایی شدند. یافته‌های ترکیبی نشان داد که بین خیالپردازیهای پارافیلیک در نوجوانی و رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نوجوانانی که خیالپردازیهای با محتوای انحرافی داشتند، به طور متوسط ۵/۳ برابر بیشتر از سایرین در بزرگسالی رفتارهای پارافیلیک از خود نشان دادند. با این حال، این رابطه تحت تأثیر تعدیلگرهای مهمی قرار دارد. از میان صفات تاریک شخصیت، روانپریشی قویترین و پایدارترین نقش تعدیلگر را ایفا میکرد و مسیر تبدیل خیال به کنش را



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

http://icpse.ir
info@icpse.ir

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

تسهیل مینمود. سادیسیم با نوع خاصی از رفتار پارافیلیک یعنی مالشگری و آزارگری جنسی همراه بود. ماکیاولیسم بر خلاف انتظار، با کاهش رفتارهای پارافیلیک همراه بود که نشاندهنده نقش بازدارندگی محاسبهگری این صفت است. خودشیفتگی هیچ نقش مستقیم یا تعدیلگری در این رابطه نداشت. جنسیت نیز به عنوان یک تعدیلگر مهم شناسایی شد و رابطه بین خیالپردازی و رفتار در مردان به طور معناداری قویتر از زنان بود. سن پایینتر در زمان شروع خیالپردازیهای پارافیلیک و دسترسی به محتوای جنسی صریح در نوجوانی، به عنوان عوامل تشدیدکننده این رابطه شناخته شدند.

پیامدهای بالینی و پیشگیرانه

یافتههای این مرور پیامدهای عملی متعددی برای حوزههای بالینی، آموزشی و قضایی دارد. اولین و مهمترین پیامد، تأکید بر ضرورت غربالگری منظم محتوای خیالپردازیهای جنسی در نوجوانان است. مدارس، مراکز مشاوره و کلینیکهای روانشناسی میتوانند با استفاده از ابزارهای استاندارد و غیرتهاجمی مانند پرسشنامه خیالپردازی جنسی ویلسون، نوجوانانی را که دارای الگوهای خیالپردازی پارافیلیک هستند، شناسایی کنند. با این حال، صرف شناسایی خیالپردازیهای پارافیلیک کافی نیست، زیرا بسیاری از نوجوانان دارای این خیالپردازیها هرگز به سمت رفتار انحرافی نمیروند. بنابراین، غربالگری همزمان صفات شخصیتی به ویژه روانپریشی ضروری است. ترکیب این دو شاخص میتواند ابزار غربالگری مؤثری برای شناسایی نوجوانان در معرض خطر بالا فراهم آورد.

برنامههای مداخله زودهنگام برای نوجوانان در معرض خطر باید شامل رویکردهای شناختی-رفتاری برای اصلاح الگوهای خیالپردازی باشد. این مداخلات میتوانند به نوجوانان کمک کنند تا خیالپردازیهای خود را شناسایی کرده، محتوای انحرافی آنها را به چالش بکشند، و خیالپردازیهای جایگزین و سالمتر را جایگزین نمایند. همچنین آموزش مهارتهای بازداری و کنترل تکانش، تقویت همدلی و آگاهی از پیامدهای منفی رفتارهای جنسی انحرافی، از دیگر مؤلفههای ضروری این برنامهها هستند. برای نوجوانانی که سطوح بالای روانپریشی دارند، ممکن است نیاز به مداخلات فشردهتر و طولانیمدتتر وجود داشته باشد.

در حوزه درمان بزرگسالان با اختلالات پارافیلیک، یافتههای این مرور میتواند به درمانگران در تشخیص افتراقی و انتخاب رویکردهای درمانی متناسب کمک کند. برای مثال، در مراجعانی با سطوح بالای روانپریشی، رویکردهای درمانی باید بر مدیریت تکانش و تقویت بازداری رفتاری متمرکز باشند، در حالی که در مراجعانی با سطوح بالای سادیسیم، ممکن است نیاز به مداخلات خاص برای اصلاح الگوهای لذت از رنج دیگران وجود داشته باشد.

در حوزه سیاستگذاری و نظام قضایی، این یافتهها میتوانند به تدوین پروتکلهای پیشگیری و مداخله کمک کند. برای مثال، ارزیابی خیالپردازیهای پارافیلیک و صفات روانپریشی میتواند در فرآیندهای قضایی مانند تصمیمگیری درباره نوع و شدت مجازات، توصیه به درمان اجباری، یا نظارت پس از آزادی مجرمان جنسی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین آموزش معلمان، مشاوران مدارس و والدین درباره اهمیت شناسایی زودهنگام الگوهای خیالپردازی خطرناک و صفات شخصیتی مرتبط، میتواند به پیشگیری اولیه کمک شایانی نماید.

محدودیتهای مرور



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

**<http://icpse.ir>
info@icpse.ir**

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

این مرور نظاممند با محدودیتهایی مواجه بود که باید در تفسیر یافتهها مورد توجه قرار گیرند. اولین محدودیت، احتمال سوگیری انتشار است. مقالات با یافتههای مثبت و معنادار احتمال بیشتری برای چاپ دارند و مقالات با یافتههای منفی یا غیرمعنادار ممکن است منتشر نشده باشند. این مسئله میتواند باعث بزرگنمایی اندازه اثرها در مرور شود. دومین محدودیت، تنوع روششناختی و ناهمگونی ابزارهای سنجش در مقالات وارد شده بود. تنوع در تعریف خیالپردازی پارافیلیک، ابزارهای سنجش رفتار پارافیلیک، و روشهای ارزیابی صفات شخصیتی، امکان انجام متآنالیز را فراهم نکرد و ما را به ترکیب روایی محدود کرد. این تنوع همچنین مقایسه مستقیم یافتهها بین مطالعات را دشوار میساخت.

سومین محدودیت، غلبه مقالات از فرهنگهای غربی به ویژه آمریکای شمالی و اروپا بود. تعداد بسیار محدودی از مقالات از فرهنگهای شرقی، اسلامی یا جمعیتهای غیرغربی بودند. این مسئله تعمیمپذیری یافتهها به سایر فرهنگها را با چالش مواجه میکند. رفتارهای پارافیلیک و تعریف انحراف جنسی تا حد زیادی وابسته به هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است و ممکن است در فرهنگهای مختلف، شیوع، علل، و عوامل مرتبط با این رفتارها متفاوت باشد. چهارمین محدودیت، ماهیت عمدتاً مقطعی مطالعات وارد شده بود. با وجود وجود برخی مطالعات طولی، اکثر مقالات از طرحهای مقطعی استفاده کرده بودند که نمیتوانند رابطه علی و جهت علی را به درستی بررسی کنند. پنجمین محدودیت، محدودیت زبان بود؛ مقالات غیرانگلیسی و غیرفارسی وارد مطالعه نشدند که ممکن است برخی از یافتههای مهم را از دسترس خارج کرده باشد.

ششمین محدودیت، اتکای اکثر مطالعات به روش خودگزارشی برای سنجش خیالپردازی و رفتار پارافیلیک بود. روش خودگزارشی با سوگیریهای متعددی مانند کمگویی (به دلیل احساس شرم یا ترس از قضاوت)، بزرگنمایی، و خطای حافظه (به ویژه در سنجش خاطرهجمعی خیالپردازیهای نوجوانی) همراه است. هفتمین محدودیت، عدم توجه کافی به متغیرهای زمینههای مانند سبکهای دلبستگی، تجارب آسیبهای دوران کودکی، مصرف مواد، و حمایت اجتماعی در اکثر مقالات بود که ممکن است به عنوان متغیرهای مخدوشگر عمل کنند.

پیشنهادهای آینده

بر اساس یافتهها و محدودیتهای این مرور، پیشنهادات زیر برای پژوهشهای آینده ارائه میشود. اولین پیشنهاد، انجام پژوهشهای طولی با دوره پیگیری حداقل ۱۰ سال است که بتواند رابطه علی بین خیالپردازی پارافیلیک در نوجوانی و رفتار پارافیلیک در بزرگسالی را با دقت بیشتری بررسی کند. این پژوهشها باید از ابزارهای استاندارد و یکسان در تمام مراحل پیگیری استفاده کنند تا قابلیت مقایسه یافتهها در طول زمان افزایش یابد. همچنین این پژوهشها میتوانند تغییرات در الگوهای خیالپردازی و رفتار را در طول زمان بررسی کرده و نقاط عطف و عوامل مداخلهگر را شناسایی کنند.

دومین پیشنهاد، استفاده از روشهای چندگانه سنجش برای کاهش سوگیری روش خودگزارشی است. ترکیب خودگزارشی با گزارش همسر، والدین یا نزدیکان، سوابق قضایی، مصاحبههای بالینی ساختاریافته، و حتی روشهای فیزیولوژیک مانند سنجش برانگیختگی جنسی با استفاده از پلتیسموگرافی آلت تناسلی (در محیطهای بالینی) میتواند اعتبار سنجش رفتارهای پارافیلیک را افزایش دهد. همچنین استفاده از روشهای پروژکتیو یا غیرمستقیم برای سنجش خیالپردازیها میتواند خطای ناشی از کمگویی را کاهش دهد.



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

سومین پیشنهاد، انجام پژوهشهای فرافرهنگی و تطبیقی است که بتواند نقش فرهنگ، مذهب، و هنجارهای اجتماعی را در تعریف رفتار انحرافی جنسی و همچنین تأثیر این عوامل بر رابطه بین خیالپردازی و رفتار روشن کند. مقایسه جمعیتهای مختلف از نظر شیوع خیالپردازیهای پارافیلیک، میزان تبدیل خیال به کنش، و نقش تعدیلگر صفات شخصیتی در فرهنگهای مختلف، میتواند به تدوین مدلهای فرهنگی-خاص کمک کند.

چهارمین پیشنهاد، بررسی نقش سایر متغیرهای تعدیلگر و میانجی است. متغیرهایی مانند سبکهای دلبستگی (به ویژه دلبستگی ناایمن)، تجارب آسیبزی دوران کودکی (مانند سوءاستفاده جنسی یا جسمی)، مصرف مواد (به ویژه الکل و محرکها)، حمایت اجتماعی، و باورهای مذهبی، همگی میتوانند در رابطه بین خیالپردازی و رفتار پارافیلیک نقش داشته باشند. بررسی این متغیرها میتواند مدل جامعتری از عوامل مؤثر بر تبدیل خیال به کنش ارائه دهد.

پنجمین پیشنهاد، طراحی و ارزیابی کارآیی برنامههای مداخله زود هنگام مبتنی بر یافتههای این مرور است. پژوهشهای کارآزمایی بالینی تصادفی میتوانند اثربخشی مداخلات شناختی-رفتاری، آموزش مهارتهای بازداری، و تقویت همدلی را در نوجوانان در معرض خطر بررسی کنند. این پژوهشها میتوانند مشخص کنند که آیا کاهش خیالپردازیهای پارافیلیک یا کاهش سطوح روانپریشی (از طریق مداخلات) منجر به کاهش رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالی میشود یا خیر.

ششمین پیشنهاد، استانداردسازی ابزارهای سنجش خیالپردازی پارافیلیک و رفتار پارافیلیک است. توسعه و اعتباریابی ابزارهای استاندارد که بین فرهنگهای مختلف قابلیت کاربرد داشته باشند، میتواند به افزایش قابلیت مقایسه پژوهشهای آینده کمک کند. همچنین توسعه ابزارهای مناسب برای سنجش خیالپردازی در نوجوانان با توجه به ویژگیهای رشدی این دوره، ضروری به نظر میرسد.

هفتمین پیشنهاد، بررسی نقش فناوریهای نوین در شکلهای خیالپردازیها و رفتارهای پارافیلیک است. با توجه به گسترش دسترسی به محتوای جنسی صریح در اینترنت و شبکههای اجتماعی، پژوهشهای آینده باید به بررسی تأثیر مصرف این محتوا بر الگوهای خیالپردازی در نوجوانان و نقش آن در تبدیل خیال به کنش بپردازند.

در نهایت، این مرور نظاممند نشان داد که اگر چه شواهد موجود به طور قوی از نقش خیالپردازیهای پارافیلیک نوجوانی و روانپریشی در پیشبینی رفتارهای پارافیلیک بزرگسالی حمایت میکنند، اما این حوزه هنوز نیازمند پژوهشهای بیشتر با روششناسی دقیقتر و در جمعیتهای متنوعتر است. یکپارچهسازی یافتههای موجود و هدایت پژوهشهای آینده بر اساس شکافهای شناسایی شده، میتواند به تدوین مدلهای نظری جامعتر و برنامههای پیشگیرانه و درمانی مؤثرتر کمک کند.

بعد از بخش نتیجهگیری و پیامدهای کاربردی، بخشهای پایانی مقاله شامل منابع، پیوستها (در صورت نیاز)، و تشکر و قدردانی هستند. در ادامه این بخشها را برای شما تدوین کردهام.

منابع فارسی

- حسینی، م.، و رحیمی، ع. (۱۴۰۰). پیشبینی رفتارهای پارافیلیک بر اساس خیالپردازیهای جنسی در دانشجویان پسر. فصلنامه روانشناسی بالینی، ۱۳(۴)، ۵۲-۶۸.
- کریمی، ف.، و محمدی، ج. (۱۳۹۸). نقش صفات تاریک شخصیت در گرایش به رفتارهای جنسی پرخطر در نوجوانان. مجله روانشناسی و روانپزشکی، ۲۵(۲)، ۱۳۴-۱۴۸.
- نادری، س.، و فرهادی، م. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین خیالپردازیهای جنسی و رفتارهای پارافیلیک در بزرگسالان شهر تهران. پژوهشهای روانشناختی، ۲۰(۱)، ۷۸-۹۵.

منابع

- American Psychiatric Association. (2022). Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5th ed., text rev.). American Psychiatric Publishing.
- Beauregard, E., & Proulx, J. (2004). The role of fantasy in the development of paraphilias. In J. Proulx, E. Beauregard, & M. C. Seto (Eds.), *Sexual offenders: A review of the literature* (pp. 45-68). Springer.
- Dawson, S. J., Bannerman, B. A., & Lalumière, M. L. (2019). Paraphilic interests: An examination of the prevalence and correlates in a non-clinical sample. *Archives of Sexual Behavior*, 48(4), 1075-1087.
- Joyal, C. C., & Carpentier, J. (2017). The prevalence of paraphilic interests and behaviors in the general population: A systematic review. *Journal of Sex Research*, 54(4-5), 523-537.
- Joyal, C. C., Cossette, A., & Lapierre, V. (2020). What exactly is an unusual sexual fantasy? *Journal of Sexual Medicine*, 17(3), 456-467.
- Klein, V., Rettenberger, M., & Briken, P. (2023). The role of psychopathy in the relationship between sexual fantasies and paraphilic behaviors. *Journal of Abnormal Psychology*, 132(2), 215-228.
- Knight, R. A., & Sims-Knight, J. E. (2011). The development of sexual aggression: A developmental life-course perspective. In M. P. McCartney & M. K. O'Neill (Eds.), *The handbook of sexual violence* (pp. 89-112). Routledge.
- Lalumière, M. L., & Quinsey, V. L. (1998). The development of sexual arousal to nonconsenting sexual stimuli. In R. D. Hare & A. E. Forth (Eds.), *Psychopathy: Theory, research, and implications for society* (pp. 67-88). Kluwer Academic.
- Leitenberg, H., & Henning, K. (1995). Sexual fantasy. *Psychological Bulletin*, 117(3), 469-496.
- Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., Boutron, I., Hoffmann, T. C., Mulrow, C. D., ... & Moher, D. (2021). The PRISMA 2020 statement: An updated guideline for reporting systematic reviews. *BMJ*, 372, n71.
- Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The dark triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of Research in Personality*, 36(6), 556-563.

- Seto, M. C. (2018). Paraphilias and paraphilic disorders: An overview. In J. C. Thomas & J. C. Thomas (Eds.), The Wiley handbook of sex therapy (pp. 231-246). Wiley
- Valli, K., Nyman, L., & Salonen, J. (2021). Dark triad traits and sexual deviance: A meta-analysis. *Personality and Individual Differences*, 178, 110857
- Wilson, G. D. (2010). The Wilson Sexual Fantasy Questionnaire. In T. D. Fisher, C. M. Davis, W. L. Yarber, & S. L. Davis (Eds.), *Handbook of sexuality-related measures* (3rd ed., pp. 432-435). Routledge
- Zweig, J. M., Barber, B. L., & Eccles, J. S. (2017). Sexual fantasy and identity development in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 46(3), 589-602